



## سوره مبارکه هود

جلسه ششم: ۹۲/۱۱/۱

\* چند نکته جالب و مهم:

- «سوره‌ها» همانند اهل بیت، زیارت کردنی هستند. خدایا این آخرین زیارت ما از سوره مبارکه هود نباشد.
- سوره‌ها چون در دست ما هستند مظلوم واقع شده‌اند و افراد زیارت آنها را جدی نمی‌گیرند.
- تک تک سوره‌ها، نورانی‌تی مانند نورانیت اهل بیت دارند. هر دو یک حقیقت واحد هستند. یکی مکتوب و یکی منطوق.
- اینکه انسان بتواند زائر یکی از سوره‌های قرآن باشد افتخار است. همان‌طور که گرد زائر اهل بیت را به تبرک برمی‌داریم، گرد زیارت کسی را که از کلاس قرآن برمی‌گردد نیز باید به تبرک برداشت. همان‌طور که از زیارت اهل بیت برای افراد، سوغاتی برمی‌داریم باید از زیارت سوره‌ها هم برای دیگران سوغات ببریم.
- متأسفانه نوعاً آدم‌ها حسی هستند و تا هنگامی که ضریح و بارگاه نباشد، حس زیارتشان لود نمی‌شود. (این نقص آدم‌هاست نه سوره‌ها)

\* خلاصه از آنچه جلسات قبل درباره سوره مبارکه هود مطرح شد:

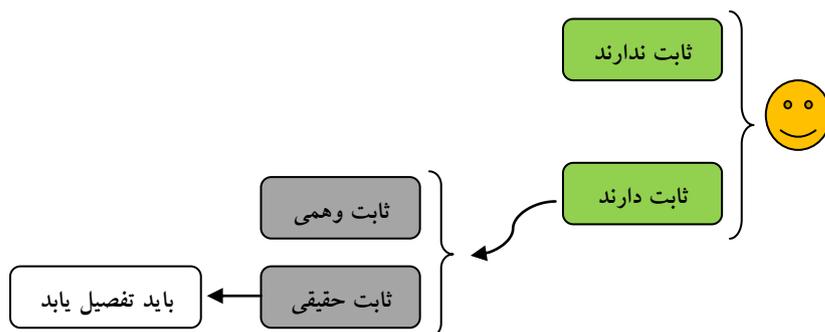
- بیان شد اگر کسی بخواهد در زندگی‌اش دائماً، لحظه به لحظه و آن به آن، أحسن عمل داشته باشد، نیازمند این است که تفصیل احکام الهی را بشناسد تا بتواند در هر لحظه، بهترین عمل را بشناسد و بر اساس آن عمل کند، به همین علت است که کتاب خدا و آیاتش تفصیل پیدا کرده است تا انسان بتواند عبودیت خدا را لحظه به لحظه زندگی کند و این‌گونه انسان به مقام «محسین» و «أحسن عمل» می‌رسد.
- البته در این سوره فقط اشاره به بحث مُحسین شده و در سوره مبارکه یوسف به تفصیل بیان شده است.
- این جریان تقابلهایی نیز داشت. آدم‌هایی که احکام و تفصیل برایشان موضوعیت ندارد و یا نمی‌خواهند بر اساس آن عمل کنند، در واقع کار آنها استهزاء این ماجراست.
- اگر تصویر انسانی این ماجرا را بخواهیم ترسیم کنیم آیات ۹ و ۱۰ است. یعنی ای انسانی که اگر رحمتی به تو نرسد مایوس می‌شوی و اگر نعمتی به تو برسد مفرح، آیا از نداشتن احکام در زندگی ناراحت نیستی و اینقدر متغیر بودن تو را کلافه نمی‌کند؟
- در واقع این سوره می‌خواهد بگوید، انسانی که در زندگی‌اش «محکم» نداشته باشد، حالت‌های او را آدم‌ها و محیط رقم می‌زنند. اگر اوضاع خوب باشد، حالش خوب است و اگر اوضاع بد باشد، حالش بد است. او کاملاً وابسته به محیط است و در نهایت خزی و ذلت زندگی می‌کند.
- آیه ۱۱: این آیه در پاسخ به آیات ۹ و ۱۰ است. کسانی که همواره اهل پایداری و عمل صالح (أحسن عمل) هستند. آنها همواره معطوف به مغفرت الهی و اجر هستند. این افراد به جای یاس و فرح، مغفرت و اجر دارند. یعنی آنها اگر با مشکلی مواجه شوند، حس

مغفرت در آنها لود شده و اگر نعمتی به آنها برسد، حس اجر در آنها لود می‌شود. آنها همواره حالت ثابت دارند. در آنها هرگز نامیدی و جو‌زدگی دیده نمی‌شود. وقتی انسان به آنها می‌رسد، احساس آرامش می‌کند.

- این حالت منوط به این است که:

- ✓ اولاً: برای زندگی دنبال (ثابت) محکم باشیم. یعنی می‌خواهیم بر اساس ثباتات عالم عمل کنیم.
- ✓ ثانیاً: ثابت واقعاً ثابت باشد.
- ✓ ثالثاً: ثباتات را در زندگی جاری کنیم. یعنی ثابت همه زندگی را فرا گیرد.

- آدم‌ها:



- افرادی که در زندگی‌شان ثابت ندارند، مانند باد هستند. (هِمَجِ الرِّئَاءِ)

- کسانی که ثابت دارند، این ثابت می‌تواند حقیقی یا غیر حقیقی باشد.

- کسانی که ثابت غیر حقیقی دارند، تبدیل به سردمداران کفر می‌شوند.

- حضرت علامه آیات ۱۰۹ تا ۱۱۹ را دسته دوازدهم در نظر گرفته‌اند:

### دسته یازدهم آیات ۱۰۹ تا ۱۱۹:

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْذِبُونَ إِلَّا كَمَا يَعْذِبُ آبَاؤَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمَوْفُقُهُمْ نُصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ (۱۰۹)
پس در مورد آنچه ایشان می‌پرستند در تردید مباش. آنها جز مانند آنچه را که پدران‌شان قبلاً می‌پرستیدند نمی‌پرستند و ما قطعاً بهره‌ی آنها را کامل و بی‌کم و کاست خواهیم داد.
وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَيْ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۱۰)
و همانا ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم، پس در مورد آن اختلاف شد، و اگر پیش‌تر وعده‌ی [مهلت] از جانب خدا صادر نشده بود، حتماً میان‌شان داوری می‌شد، و همانا ایشان در بهره‌ی آن سخت در شک و تردیدند.
وَإِنْ كَلَّا لَمَا لِيَؤْفِقْنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱)
و قطعاً پروردگارت [حاصل] اعمال همه را تماماً به آنها خواهد داد، [و] او به آنچه می‌کنند آگاه است.
فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)
پس همان گونه که فرمان یافته‌ای پایداری کن و نیز هر که با تو رو به سوی خدا آورده است. و سرکشی نکنید که او به آنچه می‌کنید بیناست.
وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳)
و به کسانی که ستم کرده‌اند تمایل نشان ندهید که آتش [دوزخ] شما را می‌گیرد در حالی که غیر از خدا شما را مولا و سرپرستی نیست و آن‌گاه یاری نخواهید شد.
وَاقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَوَلِّقًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ (۱۱۴)
و در دو طرف روز و اوایل شب نماز را برپا دار، که نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برد.

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۱۵)

و صبر کن که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَتِيمُونَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶)

از چه رو در میان نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین نهدی کنند [تا گرفتار عذاب نشوند]؟ جز اندکی از کسانی که نجاتشان دادیم (پیامبران و پیروانشان). و کسانی که ستم کردند، [طبعاً] به دنبال رفاه و خوشگذرانی رفتند و اهل گناه بودند.

وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ (۱۱۷)

و از سنت خدای تو نبوده است که شهرها را در حالی که مردمش اصلاحگرند به ستم هلاک کند.

وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (۱۱۸)

و اگر پروردگار تو می‌خواست، همه مردم را [به اجبار] یک امت [و بر یک دین] قرار می‌داد، و حال آن که آنها همواره در اختلافند.

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبُّكَ لِأُمَّلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۱۹)

مگر کسی که پروردگارت به او مرحمتی کند، و برای همین آنان را خلق کرده است، و سخن پروردگارت بر این رفته است که حتماً جهنم را از جن و انس [نافرمان] یکسره پر خواهیم کرد.

- آیه ۱۱۰: حضرت موسی (علیه‌السلام) با «کتاب» آمدند. علی‌القاعده کتاب می‌بایست مبنای محکم زندگی افراد و قانون لحظه لحظه زندگیشان قرار می‌گرفت ولی متأسفانه همین کتاب مبنای اختلاف افراد قرار گرفت. آنها بر سر اینکه کتاب مبنا باشد یا نباشد، کتاب به قرائت چه کسی باشد و به چقدر از کتاب عمل کنند و ... اختلاف کردند.

- اگر بنای خدا بر مهلت در دنیا نبود، به مجرد اختلاف قصه آنها را تمام می‌کرد.

- امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «اگر وعده خدا نبود، اولین گناه برای هلاکت کافی بود». فرصت دادن به انسان‌ها از کرامت خداست (ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ / انفتار آیه ۶) انسان‌ها گول فرصت دادن خدا را می‌خورند در حالی که انسان‌ها با گناه کردن عذاب را بر خودشان واجب می‌کنند.

- آیه ۱۱۱: خداوند به تقابلی که افراد در مقابل محکم انجام می‌دهند، کاملاً آگاه است و انسان‌ها به همان اندازه که مقابله کرده‌اند نتیجه‌اش را خواهند دید.

- شک مریب، شکمی است که بعد از علم ایجاد می‌شود و فرد می‌خواهد خودش را در شک نگه دارد.

- **توجه مهم:** عبودیت در جزء جزء زندگی باید تفصیل پیدا کند. «تفصیل عبودیت» باید همه شئون زندگی ما را بگیرد.

- سوره مبارکه هود دعوی همه انبیاء با اقوامشان است. مثلاً در قوم حضرت شعیب (علیه‌السلام) همه مردم کم‌فروش هستند و قوم حضرت لوط شهوت و ... در حالی که جوامع کنونی ملقمه‌ای از همه بیماری‌هاست.

- انبیاء برای پرستش «فقط» خدا آمده‌اند.

- آیه ۱۱۲: خدا به انبیاء می‌فرماید: «در راه خدا استقامت کنید چه موفق شوید و یا نشوید، زورتان به جامعه می‌رسد یا نمی‌رسد، اصلاً مهم نیست».

- آیات ۱۱۴ و ۱۱۵: خدا به رسول نماز خواندن در انواع اوقات شب و روز و صبر را امر می‌کند. این را بدان که سیئات جامعه، - که زمینه مشکل را به وجود آورده است - حسنات را از بین می‌برد. پس وظیفه شما عمل بر طبق حسنات است.

- «اقامه نماز» و «صبر»، جلوه **حُسن** هستند. یعنی با اقامه نماز و صبر، حسنات را در جامعه می‌توان جاری کرد. «استقامت» هم در برپایی نماز و صبر توصیه شده است. یا به عبارت دیگر استقامت در حُسن، توصیه شده است.

- حُسن اساساً واژه‌ای است در ارتباط با دیگران. «حُسن» یعنی نیکویی را جلوه دادن. «نماز» و «صبر» ذاتاً در ارتباط با دیگران تعریف شده‌اند.

- «نمازمان» باید با اعتقاداتمان مرتبط باشد و نیازمندی‌های جامعه‌مان را برطرف کند. وگرنه بر طبق سوره مبارکه ماعون «مکذّب دین» هستیم.

- قوم حضرت شعیب (علیه‌السلام) به ایشان می‌گفتند: «نمازت تو را وادار می‌کند این‌گونه عمل کنی».

- نماز اصلاً عملی فردی نیست. بنا بر قول حضرت علامه، هیچ‌یک از شئون دین، فردی نیست و نماز راس همه آنهاست.

- اگر کسی بتواند نمازش را متنوع کند، یکی از بهترین راه‌هایی است که حقایق در زندگی‌اش جاری شود.

- «نماز جماعت» اوج تمرین هماهنگی با ولایت است. برای همین مستحب است صدای امام جماعت به مأمومین برسد.

- تمرین ولایت را باید در نماز، به وسیله امام جماعت انجام داد.

- اصالت با نماز جماعت است نه فرادا. نماز فرادا را قرار داده‌اند تا خواندن همیشگی نماز جماعت برای افراد عُسر نشود.

- عمیق‌ترین مسائل حکومتی در نماز جماعت، آموزش داده شده است.

- به طور خلاصه:

✓ اولاً: باید اولویت در نماز خواندن، نماز جماعت باشد.

✓ ثانیاً: باید اطاعت از امام را در تمام شئون نماز، اجرا کنیم.

✓ ثالثاً: نماز جماعت باید با تمامی شئون زندگی‌مان آمیخته و عجین باشد.

## زنگ دوم:

- آیات آخر سوره مبارکه هود از آیات بسیار مهم و غرر کل قرآن است. (آیه ۱۱۶ تا انتها)

- آیه ۱۱۶: نکته مهم و قابل توجه: باید در هر گروه، قریه، شهر، کشور و ملتی عده‌ای به نام «أُولُوا بَقِيَّةٍ» باشند که کارشان نهی از فساد در زمین باشد و تنها راه نجات نیز همین است.

- در داستان حضرت شعیب (علیه‌السلام) آمده بود، «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ / ۸۶». یعنی «بَقِيَّتُ اللَّهِ»، خود باقیمانده الهی است و «أُولُوا بَقِيَّةٍ» کسانی هستند که بهره‌مند از باقیمانده الهی هستند.

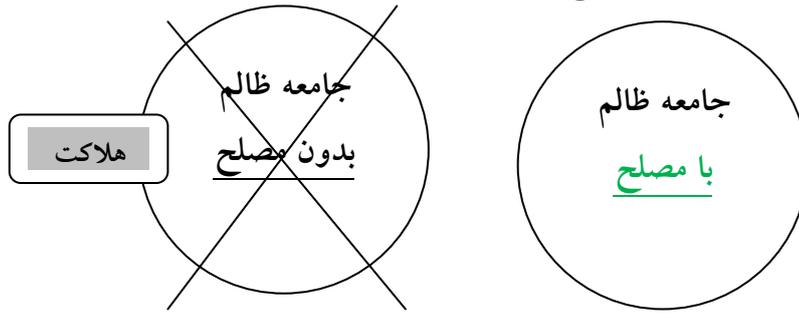
- **توجه:** جامعه بسیار مهم است و کمال انسان با جامعه رقم می‌خورد. امکان ندارد توحید در زندگی تفصیل داده شود و بقیه شئون، تفصیل داده نشود. بنابراین شکل‌دهی یک جامعه سالم توحیدی - که توحید همه آن را فرا گیرد-، امری در کنار بقیه امرها نیست بلکه شأنش بسیار بالاست.

- آیه ۱۱۶ مطالب قبلی را صراحتاً در این قالب بیان می‌دارد که باید در هر اجتماعی از انسان‌ها «أُولُوا بَقِيَّةٍ» وجود داشته باشند که نهی از فساد کنند و تنها راه نجات نیز همین است.

- اگر عذاب نازل شود، همه را با خود می‌برد مگر کسانی که نهی از منکر کنند. زیرا واکنش نسبت به انحراف جامعه جزء رسالت‌های

همه افراد جامعه است. از رسالت‌های ماست که جلوی مجرم و ظلمش را بگیریم به همین علت در این آیه مقابل «الذین ظلموا»، را کسانی که ظلم نمی‌کنند نمی‌داند، بلکه «أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ» می‌داند.

- آیه ۱۱۷: خدا قریه‌ای را هلاک نمی‌کند که اهلیش مصلح باشند.



- جامعه ما هم در حال حاضر، بیمهٔ کسانی است که دغدغهٔ اصلاح دارند و آن را انجام می‌دهند.

- آبرو و حرمت شهر به پیامبرش است و جامعه‌ای که پیامبر خود را بیرون می‌کردند در واقع بیمهٔ شهر را بیرون کرده بودند (لا اقسیم

بهذا البلد (۱) / و انت حل بهذا البلد (۲) / سوره مبارکه بلد)

- قوم حضرت یونس (علیه السلام) بعد از بیرون کردن ایشان از شهر، توبه کردند و به حرف مصلح جامعه‌شان گوش دادند و از هلاکت نجات یافتند.

- حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) مصلح جهانی هستند.

- آیه ۱۱۸: خدا اگر می‌خواست به زور مردم را امت واحد قرار می‌داد. اگر این اتفاق به زور می‌افتاد دیگر شرافت انسانی جلوه نمی‌کرد.

- «و لا یزالون مختلفین»: ولیکن انسان‌ها دائماً با هم اختلاف دارند. اما خدا استثناء کرده است.

- آیه ۱۱۹: «إلا من رحم ربک»: جایی هست که رحمت خدا می‌تواند اختلاف انسان‌ها را برطرف کند. البته افراد خودشان باید زمینهٔ اختلافشان را برطرف کنند. آدم‌ها می‌توانند زمینه رحمت خدا را به گونه‌ای ایجاد کنند که اختلافاتشان برطرف شود تا به امت واحد توحیدی، برسند. انسان‌ها بر اساس طبع و طبیعتشان دائماً در اختلاف‌اند، اما در عین حال قدرتی دارند که شأنی را در خود فعال کنند تا به واسطهٔ رحمت الهی اختلافی نداشته باشند و امت واحدهٔ توحیدی شوند.

- در همین راستا امام خمینی (رضوان الله) فرموده‌اند: «اگر همهٔ انبیاء را در جایی جمع کنیم اصلاً با هم اختلافی نخواهند داشت زیرا مبنای آنها طبیعتشان نیست، بلکه مبنایشان «فطرت» است.

- در عالم برای اینکه آدم‌ها را از اختلاف خارج و امت واحد کند، فقط یک راه وجود دارد. اصلاً انسان‌ها برای همین «امت واحد شدن» خلق شده‌اند.

- توجه مهم: یعنی فلسفه خلقت انسان‌ها «امت واحد شدن» است.

- در آیه‌ای از قرآن آمده «ما جن و انس را برای عبادت خلق کردیم». از ترکیب آن آیه و این آیه می‌توان نتیجه گرفت «عبادت» و «امت واحد شدن» یک چیز هستند.

چند سطح از تفکر افراد در رابطه با جامعه:

✓ یک سطح: من باید زندگی خودم را داشته باشم و جامعه به من ربطی ندارد.

✓ سطح دیگر: من باید زندگی خودم را داشته باشم، البته اگر دست جامعه را هم بگیرم خوب است.

- ✓ سطح دیگر: من به همان اندازه که به زندگی خودم می‌رسم باید به جامعه هم برسم.
- ✓ سطح دیگر: فلسفه خلقت من تشکیل امت واحده است پس همه حرکاتم باید در راستای آن باشد.

- تمام حرکات و جهت‌گیری‌های انسان باید به سمت تشکیل امت واحده باشد.

- وحدت در بین انسان‌ها بسیار مهم است. امروزه هر کسی بر طبل فرقه‌گری و جدایی در بین مسلمانان بکوبد (آگاهانه و ناآگاهانه) خائن است. یعنی هرگونه تفرقه در بین امت اسلامی در حال حاضر عین خیانت است.

- «لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»: خدا ابایی ندارد از اینکه جهنم از جن و انس پر شود. خدا برای رسیدن به افق بلند انسانیّت (امت واحده شدن) راه قرار داده است. اما اگر انسان‌ها به این افق بلند نرسند خدا ابایی ندارد که جهنم را از جن و انس پر کند، البته خدا به هیچ‌وجه به این مسئله رضایت ندارد.

- حضرت علامه آیات ۱۲۰ تا ۱۲۳ را دسته آخر در نظر گرفته‌اند:

### دسته آخر آیات ۱۲۰ تا ۱۲۳:

<p>و كَلَّا تَقْصُ عَلَیْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۱۲۰)</p> <p>و هر کدام از سرگذشت‌های پیامبران را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و در این [سرگذشت‌ها] حق برای تو آمده و مؤمنان را اندرز و تذکری است.</p>
<p>وَ قُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ اِنَّا عَامِلُونَ (۱۲۱)</p> <p>و به کسانی که ایمان نمی‌آورند بگو: با هر امکانی که دارید عمل کنید که ما هم عمل خواهیم کرد.</p>
<p>وَ اتَّظَرُوا اِنَّا مُنْتَظَرُونَ (۱۲۲)</p> <p>و منتظر باشید که ما نیز منتظریم.</p>
<p>وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ مَا رُبَّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۲۳)</p> <p>و نهان آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و تمام کارها [سر انجام] به او بازگردانده می‌شود. پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای، و پروردگار تو از آنچه می‌کنی غافل نیست.</p>

- آیه ۱۲۰: قصه انبیاء را همیشه در خاطرات خود داشته باشیم تا در لحظات نگرانی که از جامعه و خودمان بر ایمان حاصل می‌شود مایه تثبیت قلب‌هایمان باشد. زیرا باید بدانیم که افراد در داشتن این مشکلات تنها نیستند و انبیاء همه آن مشکلات را داشتند.

- انبیاء همیشه از دل آتش هلاکت، مؤمنین و دین خدا را نجات داده‌اند اما ما یک پیروزی همه‌گیر و فراگیر می‌خواهیم که آن هم بالاخره پیروز خواهد شد و آن حکومت حضرت صاحب‌الزمان (عج‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است.

- «وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»: اگر کسی اهل ایمان و ذکر باشد از این ماجراها موعظه و ذکر دریافت می‌کند.

- آیه ۱۲۱: «به کسانی که نمی‌خواهند در مسیر ایمان باشند بگو: «شما کارهای خود را بکنید و ما هم کارهای خود را می‌کنیم». این جمله نبی از عذاب‌آورترین جملات است که رسول، حرز خود را از روی انسان بردارد. این ترک کردن رسول برای انسان یعنی «هلاکت».

- آیه ۱۲۲: این دو آیه پایانی سوره به نوعی جمع‌بندی سوره است و خدا حرفش را به پیامبر زده است.

- آیه ۱۲۳: غیب آسمان‌ها و زمین فقط مختص به خداست و هر امری فقط به سوی او بازگشت می‌کند. پس سخن آیه ۳ اثبات می‌شود: «تعبدوا الا الله».

- غیب آسمان‌ها و زمین فقط مختص خداست و هر امری انتهایش فقط به سمت خدا برگشت می‌کند.

- غیب هر چیزی، ملکوت آن است و اصل و صحنه‌گردان آن چیز نیز غیبش است و حال وقتی غیب هر چیز فقط مختص به خدا باشد، راهی به غیر از «عبادت» برای آدم‌ها باقی نمی‌ماند.

- خدا به پیامبر می‌فرماید: «پیامبر، تو عبادت کن». منظور این است که اگر هیچ‌کس هم خدا را عبادت نکند، «پیامبر(ص)» حتماً خدا را عبادت می‌کند. اگر هیچ‌کس هم خدا را یاری نکند و به زعم خود جلوی خدا بایستد، پیامبر به تنهایی به خدا توکل می‌کند و پروردگار تو غافل نیست از آن چیزی که انجام می‌دهند.

- **توجه:** احکام‌های عالم به صورت غیب بوده و شهود نیستند. بلکه تفصیل آنهاست که ما آن را به صورت شهود می‌بینیم.

- برای هر فرد به سمت امت واحد رفتن، یعنی تمام زندگی فرد این‌گونه تعریف شود که باری را از دوش جامعه‌اش بردارد.

- از ابتدای عالم انبیاء تلاش کرده‌اند تا امت واحد توحیدی محقق شود و همه دغدغه‌اشان این مسئله بوده است.

- ما باید همه زندگیمان را با جهت‌گیری امت واحد انجام دهیم. زیرا این مسئله فلسفه خلقت ماست. اما اگر تا به امروز تشکیل امت واحد توحیدی محقق نشده است، نسخه آن درست بوده ولی آدم‌ها به نسخه طیب دوار خود، عمل نکرده‌اند.

- به تکلیف عمل نکردن دیگران، از ما سلب وظیفه نمی‌کند. ما باید مصلح باشیم. زیرا در آیات آمده بود که خدا جامعه را هلاک نمی‌کند تا هنگامی که مصلح در آن است.

❖ سوره مبارکه هود بسیار سوره باشکوهی است. سوره «احکام و تفصیل»، سوره «جریان عبودیت در شریان‌های همه نقاط زندگی» است.

❖ از سوره مبارکه هود می‌خواهیم این زیارت را آخرین زیارتان قرار ندهد.

❖ از سوره مبارکه هود می‌خواهیم ما را از همراهان انبیاء الهی و خصوصاً حضرت صاحب‌الزمان (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) در حرکت به سمت امت واحد توحیدی قرار دهد.

❖ از سوره مبارکه هود، حضرت هود (علیه‌السلام)، حضرت صالح (علیه‌السلام)، حضرت شعیب (علیه‌السلام)، حضرت لوط (علیه‌السلام)، حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)، حضرت موسی (علیه‌السلام)، حضرت نوح (علیه‌السلام) و همه بزرگوارانی که این سوره مزین به نام گرامی آنهاست، می‌خواهیم که جامعه ما، خصوصاً حکومت اسلامی ایران که با حرکت و بنیان خیر و طیبی پایه‌گذاری شده است، به سمت امت واحد توحیدی حرکت کند و کشورمان را ذیل توجهات ویژه خود قرار دهند.

❖ بر ما و جامعه‌امان - که در گذشته و حال سردمدار حرکت توحیدی بوده - نپسندند خدایی ناکرده اتفاقی برای جامعه ما بیفتد که به عبرت دیگران تبدیل شویم.

❖ ایشان کاری کنند که ایران بتواند اسوه این جریان باشد و این حکومت بتواند به شایسته‌ترین شکل، مقدمات ظهور حضرت صاحب زمان مهدی فاطمه (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) را فراهم کند.

❖ خدا به برکت سوره مبارکه هود و به حرمت همه مصلحان گذشته عالم هستی و به یمن وجود ذی‌قیمت مصلح کل عالم هستی، حضرت صاحب‌الزمان (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) تمامی مصلحان جامعه ما را، چه آنان که می‌شناسیم و چه آنان که نمی‌شناسیم، چه آنان که در بین ما هستند و چه آنان که به لقاء الله پیوسته‌اند و همه مصلحانی که مایه برکت زندگی امروز ما هستند، خدا ذیل توجهات و عنایت خودش سالم نگه دارد و آنها را با مصلح کل حضرت صاحب‌الزمان (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) محشور کند.

❖ انشاءالله نام ما هم جزو این مصلحان باشد و خود و خانواده و فرزندانمان تا روز قیامت مزین بشوند به اینکه در جمع مصلحین عالم باشند.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین